

نویسنده: پاول آر پیلر «Paul R. Pillar».
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2026-08-03».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».



فروپاشی حاکمیت ملی در خاورمیانه

The collapse of national sovereignty in the Middle East

این منطقه به تعبیر توماس هابز، فیلسوف قرن هفدهم، به جنگی همه علیه همه تبدیل شده است

The region has come to look like — to borrow a phrase from 17th Century philosopher Thomas Hobbes — a war of all, against all

کسانی که پیش بینی می کردند جنگ آمریکا علیه ایران خطر شعله ور شدن آتشی در سراسر منطقه را به همراه خواهد داشت، همچو به نظر پیشگویانه می آیند.

آخرین مرحله از این درگیری شامل حملات هوایی ایالات متحده و عربستان سعودی در عراق، علیه شبه نظامیان عراقی که متحد ایران تلقی می شوند، بوده است. رژیم

حوثی‌ها در یمن، به عنوان نتیجه مستقیم جنگ آمریکا و ایران، حملات خود را به کشتیرانی و کشتیرانی‌ها در دریای سرخ از سر گرفته است. این امر منجر به درگیری جدید بین حوثی‌ها و عربستان سعودی شده است که در حال آماده‌سازی یک حمله احتمالی جدید در یمن است و تلاش میکند ده‌ها کشور دیگر را به سمت خود در این درگیری بکشانند.

استراتژی ایران برای پاسخ به تجاوز آمریکا و اسرائیل از طریق تشدید افقی درگیری، کشورهای بیشتری را درگیر کرده است. حملات ایران علیه عربستان سعودی و امارات متحده عربی منجر به حملات عربستان و امارات به ایران شده است. سایر حملات تلافی‌جویانه ایران در کویت، بحرین، قطر و اردن رخ داده است که صحنه جدیدترین تلفات آمریکایی‌ها بوده‌اند. هفته گذشته خشونت به بندر دمیاط در مدیترانه مصر گسترش یافت، جایی که یک پهپاد با منشأ یا منبع ناشناخته باعث آتش‌سوزی دو کشتی شد. برخی معتقدند که متحدان ایران ممکن است مسئول این حادثه باشند، اما ایران که روابط خوبی با مصر دارد، هرگونه ارتباطی را درین مورد رد می‌کند و می‌گوید که ممکن است حمله‌ای با پرچم دروغین اسرائیل بوده باشد.

خشونت مربوط به جنگ در ایران به اندازه‌ای در حال گسترش و توسعه است که با حمله اوکراین به یک کشتی ایرانی عازم روسیه در دریای خزر، با جنگ روسیه علیه اوکراین همپوشانی یا ارتباط پیدا کند. ادغام جنگ‌های ایران و اوکراین حداقل برای یک کشور خاورمیانه جذاب خواهد بود: اسرائیل.

علاوه بر گسترش واقعی خشونت، تهدید خشونت‌های بیشتر نیز وجود دارد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در مواقع مختلف نه تنها تهدید به تشدید حملات علیه زیرساخت‌های غیرنظامی در ایران، بلکه حتی حمله به عمان، که یکی از میانجیگرانی بوده است که سعی در کاهش خشونت داشته است، کرده است.

خشونت مربوط به جنگ فعلی با ایران بر اساس خطوط درگیری که قبل از جنگ وجود داشته، بنا شده است. ایالات متحده پیش از این از خاک عراق - جایی که البته پیش از آن جنگ تجاوزکارانه بزرگی را آغاز کرده بود - برای نبرد با ایران استفاده می‌کرد، زمانی که در سال ۲۰۲۰ با حمله موشکی به فرودگاه بغداد، قاسم سلیمانی، فرمانده نظامی و چهره سیاسی ایرانی را به قتل رساند. ایران نیز با حمله موشکی به پایگاهی در عراق که محل استقرار نیروهای آمریکایی بود، تلافی کرد.

جنگ یمن و عربستان سعودی امروز سال‌ها پیش با جنگ هوایی ویرانگر عربستان علیه یمن و مداخله گسترده سعودی‌ها و اماراتی‌ها در یمن برای ترویج جایگزینی برای حوثی‌ها آغاز شد. اختلاف بعدی بین این دو متحد عرب خلیج فارس - با حمایت امارات متحده عربی از یک جنبش جدایی‌طلب در جنوب یمن - در خاک یمن شکل خشونت‌آمیزی به خود گرفته است.

دخالت حوثی‌ها در کشتیرانی دریای سرخ، تکرار استفاده قبلی آنها از این تاکتیک در پاسخ به عملیات غیرانسانی اسرائیل در نوار غزه است. نمونه‌های دیگری از خشونت گسترده اسرائیل در سطح منطقه شامل حملات گذشته و حال در لبنان و اشغال خاک لبنان، جنگ هوایی طولانی مدت علیه سوریه، گسترش اشغال خاک سوریه، حملات هوایی به خاک عراق و قطر و عملیات ترور مخفیانه در ایران، اردن و جاهای دیگر است.

خاورمیانه - به قول فیلسوف سیاسی قرن هفدهم، توماس هابز - به جنگ همه علیه همه تبدیل شده است. این منطقه از این نظر منحصر به فرد نیست؛ برخی از بخش‌های آفریقای مرکزی و شرقی خشونت فراگیر و مسری مشابهی را به نمایش گذاشته‌اند. اما خاورمیانه در حال حاضر، به ویژه از جهاتی که به سیاست ایالات متحده مربوط می‌شود، برجسته است. زندگی در برخی از آسیب دیده ترین بخش‌های منطقه، از جمله نوار غزه، - به قول هابز - زننده، وحشیانه و کوتاه است.

نخست وزیر عراق، علی‌الزیدی، که خود را دوست ایالات متحده معرفی می‌کند و همین ماه گذشته با رئیس‌جمهور ترامپ در کاخ سفید دیدار کرد، اظهار داشت که حملات اخیر ایالات متحده و عربستان سعودی به اهداف شبه نظامی در عراق "نقض آشکار حاکمیت" بوده است. تجزیه و تحلیل مفهوم حاکمیت ملی، تصویر منطقه‌ای حملات به سرزمین‌های دیگر یا اشغال آنها را مشخص می‌کند. احترام به حاکمیت دولت‌های ملی، اصل اساسی نظم در نظام بین‌المللی کنونی است. منشور سازمان ملل متحد به صراحت «اصل برابری حاکمیت همه اعضای آن» را در بر می‌گیرد و اعضا را موظف می‌کند که «در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری خودداری کنند».

تنها استثنای موجه و شناخته شده برای عدم دخالت در امور سایر کشورها، «مسئولیت حمایت» است که شامل مداخله برای جلوگیری از نسل‌کشی یا سایر تخلفات شدید علیه حقوق بشر می‌شود. اما خشونت‌های فرامرزی در خاورمیانه امروز، حمایت از حقوق بشر نیست و در بسیاری از موارد، تخلف از حقوق بشر محسوب می‌شود.

مفهوم حاکمیت دولت‌های ملی معمولاً به صلح و ستفالی (۱۶۴۸) برمی‌گردد. بنابراین، این مفهوم در اصل یک مفهوم اروپایی بود، اما امروزه غیراروپایی‌ها نیز حداقل به همان اندازه بر آن تأکید دارند. چین به ویژه بر اهمیت عدم دخالت در امور سایر کشورها تأکید دارد، موضوعی که در بیشتر کشورهای جنوب جهان طنین‌انداز است.

صلح و ستفالی (وستفالن منطقه‌ای تاریخی در شمال غربی آلمان است، نظامی سیاسی مبتنی بر حاکمیت ایالتی و بخشی از ایالت مدرن نوردراین-وستفالن آلمان) به جنگ سی ساله در اروپای مرکزی پایان داد، جنگی که از نظر پیچیدگی، تداوم و تعداد متخاصمان از بسیاری جهات شبیه خاورمیانه معاصر بود. هر موقعیتی یک بُعد مذهبی داشت، که در اروپای قرن هفدهم، رقابتی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها بود. در خاورمیانه معاصر،

خصومت بین شیعه و سنی و تا آنجا که به اسرائیل مربوط می‌شود، ناسیونالیسم یهودی وجود دارد. هر موقعیتی شامل رقابت بین بازیگران کوچکتر در منطقه‌ای که جنگ در آن جریان داشت و همچنین مداخله قدرت‌های بزرگتر بود که در جنگ سی ساله عمدتاً شامل فرانسه و سوئد می‌شد.



مونستر (وستفالن)، نوردراین-وستفالن، {ایالات المان} آلمان، ریشه‌های پیمان وستفالن (با اجازه جیم لوب)

این واقعیت که جنگ سی ساله با یک توافق صلح جامع که شامل یک اصل پایدار نظم بین‌المللی بود، پایان یافت، ممکن است هنگام فکر کردن به بی‌نظمی فعلی در خاورمیانه، باعث خوش‌بینی شود. اما حداقل به همان اندازه، زمینه برای بدبینی و همچنین درس‌های هشداردهنده نیز وجود دارد.

جنگ سی ساله تلفات وحشتناکی به بار آورد. این جنگ نه با کومبایا، بلکه با خستگی محض به پایان رسید. این نوع تجربه‌ای نیست که برای هر منطقه‌ای آرزو شود، هرچند می‌توان امیدوار بود که خستگی به صلح منجر شود.

مداخله قدرت‌های بزرگ کمکی نکرد و تنها با طولانی کردن جنگ و رنج، اوضاع را بدتر کرد. این در مورد مداخله فرانسه در اواسط جنگ سی ساله صادق بود. این امر در مورد برخی از مداخلات نظامی ایالات متحده در خاورمیانه، از جمله مداخله فعلی نیز صادق است.

تفکر هابز در درجه اول تحت تأثیر جنگ داخلی در زادگاهش انگلستان بود، اما احتمالاً آشوب در قاره اروپا نیز بر او تأثیر گذاشته بود. مشهورترین اثر او، لویاتان، سه سال پس از جنگ سی ساله منتشر شد. راه حل او برای برقراری نظم در درون یک ملت

واحد، یک حاکم قدرتمند بود که با رضایت ضمنی یک قرارداد اجتماعی حکومت کند. راه حل متناظر در میان گروهی از ملت‌ها، یک هژمون به اندازه کافی قوی برای تحمیل نظم بین‌المللی بود.

با این حال، جنگ سی ساله و وستفالی نشان داد که این یک راه حل عملی نیست. هژمون آشکار در آن شرایط، پادشاه هابسبورگ در وین بود که به عنوان امپراتور امپراتوری مقدس روم، قرار بود نوعی اقتدار برای اجرای نظم بر بخش‌هایی از اروپا که جنگ در آن جریان داشت، داشته باشد. اما میزان این اقتدار، علاوه بر اختلافات مذهبی، در میان دوک نشین‌ها و امیرنشین‌هایی که جنگ را به راه انداخته بودند، خود یک مسئله بود. توافق صلح، قدرت حاکمیت پادشاه بر سرزمین‌هایی را که مستقیماً بر آنها حکومت می‌کرد، تأیید کرد، اما نقش او را به عنوان امپراتور تضعیف کرد. یک درس برای سیاست معاصر ایالات متحده در خاورمیانه این است که هژمونی - توسط ایالات متحده یا هر کس دیگری، و حتی با فرض اینکه بتوان به آن دست یافت - راهی برای خروج از بی‌نظمی فعلی فراهم نمی‌کند.

درس دیگر، مطابق با اصل حاکمیت ملت-دولت، این است که پیروزی یک اردوگاه ایدئولوژیک یا مذهبی بر اردوگاه دیگر نیز راهی برای خروج از بی‌نظمی نیست. اندکی صلح در خاورمیانه تنها زمانی حاصل خواهد شد که نوع احترام و مدارای متقابل مندرج در منشور سازمان ملل متحد، صرف نظر از تفاوت‌های اجتناب‌ناپذیر مداوم در سیاست، ایدئولوژی‌ها و باورهای مذهبی بین کشورهای منطقه، به طور گسترده رعایت شود.

سطری چند درمورد نویسنده این مقاله:

پل آر. پیلار، پژوهشگر ارشد غیرمقیم در مرکز مطالعات امنیتی دانشگاه جورج تاون و پژوهشگر غیرمقیم در موسسه کوئینسی برای کشورداری مسئولانه است. او همچنین پژوهشگر وابسته مرکز سیاست امنیتی ژنو است.

----- با تقدیم احترام «2026-08-04»

.....